

فرهنگستان

دانشگاه

شماره ۱۳۰۲ | شماره ۴۲۵ | WWW.FDN.IR

«فرهیختگان» از نتایج پیمایش ها درباره فضای فعالیت دانشجویی گزارش می دهد

۶۵ درصد دانشجویان مخاطب برنامه‌های فرهنگی نیستند



«فرهیختگان» از نتایج پیمایش ها درباره فضای فعالیت دانشجویی گزارش می دهد

۶۵ درصد دانشجویان مخاطب برنامه‌های فرهنگی نیستند



زهرا رضانی خبرنگار گروه دانشگاه

نتایج جدید افکارسنجی ایسپاکه در دوازدهمشت ماه امسال درباره وضعیت اجتماعی فرهنگی دانشجویان منتشر شد. اطلاعات قابل توجهی از نحوه سپری کردن اوقات فراغت دانشجویان، میزان استفاده این قشر از پیام‌رسان‌ها و سبک موسیقی مورد علاقه آنها ارائه می دهد. آماري که از یک سو حکایت از متفاوت بودن نسل جدید دانشجویی به حوزه فرهنگی و پرکردن اوقات فراغت شان دارد و از سوی دیگر به نوعی زنگ خطر قهر دانشجویان با جریان فرهنگی موجود در دانشگاه‌ها را به تصویر می کشد. با وجود اینکه برخی از اطلاعات موجود در این افکارسنجی بیش از پیش به چشم آمد که ازجمله آن می توان به استفاده ۸۹٫۵ درصدی دانشجویان از پیام‌رسان تلگرام و در مقابل سهم پایین ۲۱ درصدی ورزش کردن در زمان اوقات فراغت اشاره کرد، اما واقعیت آن است که همه داده‌های مربوط به این افکارسنجی در جایگاه خود از اهمیت بالایی برخوردار است و می طلبد تا مدیران فرهنگی و همچنین فعالان دانشجویی توجه ویژه‌ای به این مسئله داشته باشند.

۴۲ درصد دانشجویان به برنامه‌های فرهنگی تمایل ندارند

با وجود اینکه این افکارسنجی ۱۶ آیتم را برای نحوه گذراندن اوقات فراغت دانشجویان لحاظ کرده و براساس آن از ۲ هزار و ۲۵۰ نفر شرکت‌کننده در این افکارسنجی که از دانشگاه‌های دولتی‌اند، ۶۶ درصد‌شان به صورت روزانه به موسیقی گوش می دهند یا ۷۹٫۵ درصد‌شان هر روز در پیام‌رسان‌ها و شبکه‌های اجتماعی مجازی حضور دارند و در مقابل سهم سینما و تئاتر در آنها به صفر درصد رسیده، اما اگر بخواهیم نسبت اوقات فراغت دانشجویان را به فضای دانشگاهی در نظر بگیریم، باید دو مؤلفه اصلی این حوزه که همان همکاری با گروه‌های علمی، فرهنگی و انجمن‌های دانشجویی و شرکت در برنامه‌های فرهنگی، ورزشی دانشگاه است را ملاک عمل قرار داد. موضوع قابل توجه آن است که ۴۲ درصد از شرکت‌کنندگان هیچ‌گونه پاسخی به همکاری با گروه‌های علمی، فرهنگی و انجمن‌های دانشجویی ندادند و در مقابل تنها درصدمشان اعلام کردند هر روز با این گروه‌ها همکاری می‌کنند و در مقابل ۲۳ درصد‌شان نیز سالی یک بار و ۱۹ درصد نیز ماهی یک یا چند بار چنین همکاری را تجربه می‌کنند. موضوع زمانی جالب‌تر می شود که ۲۶٫۹ درصد هیچ‌گونه پاسخی درباره شرکت در برنامه‌های فرهنگی، ورزشی دانشگاه‌ها ندادند و در مقابل ۴ درصد هر روز در چنین برنامه‌هایی شرکت می‌کنند. اما اکثر بدنه دانشجویی که شامل ۲۷ درصد می شود تنها سالی یک بار در چنین برنامه‌هایی حضور پیدا می‌کنند و ۲۳ درصد نیز ماهی یک یا چند بار. این مسئله نشان می دهد، عملاً بدنه دانشجویی در دانشگاه‌های دولتی برخلاف دهه‌های گذشته، دیگر تمایلی برای مشارکت در روند برگزاری و شرکت در برنامه‌های فرهنگی و ورزشی که با از سوی معاونت فرهنگی یا بدنه فعالان دانشجویی طراحی و اجرایی شوند، ندارند.

اقبال به فعالیت در تشکل‌های دانشگاهی در دانشگاه‌تهران ۴ درصد

البته این تنها افکارسنجی صورت گرفته در این زمینه نیست؛ چراکه در سال تحصیلی ۹۹-۹۸ نیز براساس پیمایشی که توسط یکی از اساتید دانشگاه‌تهران با هدف شناخت تفاوت قشرهای مختلف دانشجویان از نظر نگرش‌ها و رفتارها در حوزه‌های مختلف با مشارکت ۳۸۲ نفر از دانشجویان دانشکده‌های مختلف دانشگاه‌تهران صورت گرفت و در قالب مقاله‌ای با عنوان نیازسنجی فرهنگی دانشگاه‌تهران در بهار سال گذشته منتشر شد، باید عنوان کرد اولویت اول دانشجویان با سهم ۳۲ درصدی حضور در فضای مجازی است و بعد از آن گپ زدن و صحبت با دوستان با سهم ۲۷ درصدی در رتبه دوم برای گذراندن اوقات فراغت دانشجویان قرار دارد. موضوع زمانی جالب می شود که بدانیم همکاری و فعالیت در تشکل‌های دانشگاهی سهم ۴ درصدی داشته است! یعنی عملاً بخش کوچکی از جامعه آماری مدنظر این گزارش حاضر بودند زمان اوقات فراغت خود را به این مسئله اختصاص دهند. براساس داده‌های

گزارش «فرهیختگان» از بیست و هفتمین نشست «دانشگاه؛ خانه گفت‌وگو»

همفکری استادان دانشگاه در سالگرد طوفان الاقصی

هوش مصنوعی جایزه نوبل امسال را به چالش کشید

نوبل انسانی یا ماشینی مسئله این است!

ناکامی برای برخی کشف‌های مهم در نوبل ۲۰۲۴

اکتشاف‌هایی که نوبل را باخند



ادامه از صفحه ۱

چگونه رژیم صهیونیستی نابود می‌شود؟

فلسطین، به نظر می‌رسید کشورهای اسلامی در برابر رژیم صهیونیستی و آمریکا فلجند و هیچ قدرتی ندارد. اگرچه هنوز هم بیشتر کشورهای اسلامی اقلیجند، اما مقاومت اسلامی شکل گرفته و ایران هم به‌خوبی در محور و مرکز آن قرار دارد. چنین شده که راه باز شد و طوفان الاقصی راه را روشن‌تر کرد.

گفتیم ایران محور است و رسیدن به هدف بدون ایران اسلامی امکان ندارد. پس مادر لِحظهٔ تاریخی ایستادیم. اما تا رسیدن به زمان موعود باید خون دل‌ها خورد و سختی‌ها کشید و شهادت‌ها را شاهد بود و خسارت‌های متعدد را تجربه کرد. اگر استقامت داشته باشید، زمان موعود زودتر از آنچه فکرش را می‌کنیم خواهد رسید و اگر سستی کنیم، دیرتر به آن زمان می‌رسیم و خسارت‌های ما هم بیشتر خواهد بود. دیدیم آنچه راصبر استراتیژیک نامیدند، چقدر رژیم صهیونیستی را جری کرد که در مرکز ایران رهبر حماس شهید هنیه را ترور کرد و بعد جنایت وحشیانه در لبنان را مرتکب شد و اصلی‌ترین رهبر و فرمانده مقاومت اسلامی را به شهادت رساند؟ خسارت شهادت سید حسن نصرالله، شهید والا مقام ما چنان بزرگ است که جز با نابودی رژیم صهیونیستی و خروج آمریکا از منطقهٔ اسلامی جریان نشود. پس ما نبردی بزرگ و تاریخی در پیش داریم.

دیدیم وقتی ایران مستقیم وارد نبرد شد چه شور و اشتیاقی در مردم منطقه ایجاد شد و چه ترسی در دل صهیونیست‌ها و غربیان افتاد؟ چرا؟ زیرا ایران امید را در دل‌های مستضعفان زنده و مستحبران را منفعل و ناامید کرد. از این رو ما ناچاریم شمشیر خود را بالا بگیریم تا اتفاقی که دیر یا زود می‌افتد به تأخیر نینفتد، البته شتاب هم نداریم، چنانچه نباید تعطل داشته باشیم.

این قطعی است که فلسطین به دامن اسلام باز خواهد گشت و قدس شریف آزاد می‌شود؛ اما زمان آن دست ما نیست، بلکه به مشیت الهی بستگی دارد که فرمود: **أَبَلْ لِلَّهِ الْأَمْرُ** **جِوْبَعًا** **أَرْعَدًا: [۳]** **اللَّهِ الْأَمْرُ قَبْلَ رِوْمَیْنِ بَعْدَهُ** **روم: [۴]** اما اگر خواست خود را همراه مشیت الهی کنیم و گرفتار تله و فریب دیپلماسی غربیان نشویم، این امر قطعی تسریع می‌شود. نکته مهم آن است که برای این مهم در دست‌داشتن سلاح‌های مدرن ضروری است، موشک، پهپاد و هر سلاحی که لازم است، حتی بیش از آنچه الان داریم و قدرتمندتر از آن‌ها. در کنار آن نیروهای زبده و آموزش دیده از عناصر اصلی نبرزند. اما سلاح بخشی از توان ماست. قدرت نظامی ضروری است؛ اما مهم‌تر از آن قدرت ایمان است که ضامن پیروزی است و قدرت ایمان جز از باور قلبی عمیق به خدای سبحان و نصرت او حاصل نخواهد شد و لازم است این قدرت در جمع مردم باشد. ویژگی برجسته شهید سرفراز سید حسن نصرالله همین قدرت ایمان بود که به دیگران هم منتقل می‌کرد و هرگز خود را ندید و به طرح و نقشه خود غر و مغرور نشد؛ بلکه همواره رضای خدای سبحان را جست. این امر از بندگی و عبودیت برمی‌خیزد. قریب الهی راهی است که ما را در جهان ناآرام کنونی، به پیروزی می‌رساند. البته باید زمینه آن را در خود و ملت خود ایجاد کنیم.

در مقابل ضعف و پیام ضعف به دشمن، جز خذلان به همراه ندارد. منطقه و جهان با مقاومت اسلامی جهردیگری پیدا کرده که هرچه جنایات رژیم صهیونیستی بیشتر می‌شود، نمی‌تواند زیبایی مقاومت را ببوشاند. این ذات و جوهرهٔ اندیشهٔ اسلامی است که ما به دنیا می‌آیم تا حق را در روی زمین تحقق بخشیم. پس باید همهٔ سختی‌ها و زنج‌ها را تحمل کنیم و شهید بدهیم، بلکه خود و هرچه داریم فدای راه خدا و خشنودی او کنیم، تا حق و عدالت در جهان تحقق یابد و بدانیم که خدای سبحان با فضل و رحمت گستردهٔ خود، راه را چنان باز می‌کند که کم‌ترین خسارت را تحمل خواهیم کرد.

ی‌نخستین خود بازرگرم، چگونه رژیم صهیونیستی نابود می‌شود؟ اصل کلی قرآنی بیان کرد که هرگاه یهودیان آتش افروزی کنند، ما آن را خاموش می‌کنیم. آری رژیم صهیونیستی به دست خودش و با آتش افروزی‌های خودش نابود خواهد شد، اما ما نیز باید در راه دین خدا ثابت قدم باشیم و استقامت و ورزشیم تا نابودی رژیم صهیونیستی منط و خبیث تسریع شده و میزان خسارت‌ها کم‌تر شود.

یک سال از حرکت هوشمندانهٔ طوفان الاقصی گذشت و رژیم صهیونیستی تصور می‌کرد که می‌تواند با اقدامات وحشیانه و غیرانسانی، مسئلهٔ فلسطین را برای همیشه تمام کند، اما در باتلاقی گرفتار آمد که امیدی برای نجات ندارد. و امروزه جنایات خود را از غرّه به لبنان کشانده است و این نشانهٔ حماقت بی‌حد رژیم صهیونیستی است.

جنگ آخرین راهی است که ما باید به آن سمت برویم؛ اما وقتی رفتیم، دیگر جای هیچ توفقی نیست. یقینی است که رژیم صهیونیستی هیچ تمایلی به صلح و آرامش ندارد؛ نه اینکه مایل به جنگ همه جانبه باشد، بلکه به دلیل ماهیت خود که نامشروع است و چون غدهٔ سرطانی در غرب آسیا عمل می‌کند باید خود را گسترش بدهد. به این دلیل هیچ راهی جز نبرد در مقابل خود نمی‌گذارد. اگر مردم منطقهٔ غرب آسیا بخواهند در صلح و آرامش زندگی کنند، راهی ندارند جز اینکه دست به جراحی سخت و البته دردناک بزنند و این سرطان در حال گسترش را از منطقه خود به طور کلی حذف کنند. به این دلیل ناگزیر از جنگند. نه اینکه جنگ دوست‌داشتنی است، بلکه به دلیل ضرورت زیست همراه با امنیت و آرامش مردم دوست و نیاز دارند در کنار خانواده و فرزندان و دوستان خود در محیطی آرام زندگی کنند؛ اما وقتی با بیماری مهلکی روبرویند، هیچ جاره‌ای جز تن دادن به معالجات سخت ندارند. در حوزه سیاست نیز چنین است؛ بنابراین اگر علاقه‌مند به خانه و کاشانه خودند، حتی اگر نسبت به وطن خود عرقی ندارند، مجبور به دفاعند، وگرنه جنگ آنان را می‌برد و این چه غدایی است که معالجه هم ندارد؟

گفته می‌شود رژیم صهیونیستی دست برتر نظامی در منطقه دارد و این سخن درستی است، زیرا از حمایت‌های نظامی و لجستیکی و مالی و در یک کلمه همه جانبه آمریکا و غرب و برخی از دولت‌های مرتجع منطقه برخوردار است. اما هیچ دلیلی برای ترس از رژیم صهیونیستی بلکه آمریکا نیست. رژیم صهیونیستی کشوری بدون آینده است، چنانچه گذشته‌ای هم ندارد. به این دلیل دیر یا زود متوقف خواهد شد و آمریکا و غرب و هم چنین صهیونیسم بین‌الملل و یهودیان هم می‌فهمند که باید دست از حمایت آنها بردارند و خود را پیش از پیش در منجلاب رژیم صهیونیستی غرق نکنند. آری یهود دامنه تاریخی و فرهنگی زیادی دارد؛ اما رژیم صهیونیستی دامنه چندانی ندارد و یهود هم برای حفظ خود مجبور می‌شود که این فرقه سیاسی را به کناری نهد.

اما مسئله تنها این نیست، فلسطین و قدس شریف جزئی از خاک ما مسلمانان است و باید به دامن اسلام برگردد. این امر می‌تواند دیر یا زود داشته باشد. اما قطعی است و هر روز که دیرتر شود، چالش‌های آن برای مسلمانان بیشتر خواهد شد. روح و جان همه مسلمانان با شور و شعف منتظر باگشت سرزمین‌های اشغالی فلسطین به دامن اسلام است و اگر لازم باشد، از یاری کردن مقاومت اسلامی علیه رژیم کودک‌کش صهیونیستی استکفانی ندارند. نکته مهم آن است که پس از طوفان الاقصی این شور و شوق مضاعف شد و نشان داد که زمان محور رژیم صهیونیستی فرارسیده یا لاقلاً نزدیک است. نزدیک‌تر از آنکه تحلیل‌گران سیاسی آن را درک کنند. این امر واضح است و اگر در آن تأخیر افتد، یک دلیل ساده دارد، ما مسلمانان کم‌کاری کرده‌ایم و تکلیف خود را درست انجام ندادیم.

الان رژیم صهیونیستی علی‌رغم قدرت نظامی که به لطف آمریکا و غرب به دست آورده است، از حیث سیاسی بسیار ضعیف شده است. هم در داخل سرزمین‌های اشغالی مردم آن مستأصلند و هم در جهان به تدریج جایگاهی که به فریب اشغال کرده بود، در حال از دست دادن است. سی سال پیش چنین نبود، اما هم اکنون فشار روشن شده است. در آن زمان آمریکا البرقدرتی بود که یک‌کوزه‌ای می‌کرد و رژیم صهیونیستی نیز در منطقه همین روش را داشت. مسلمانان هم دست بسته بودند، برخی وابسته به غرب و آمریکا و دیگران هم منفعل و کنار. تنها ایران که با انقلاب اسلامی، حیاتی دوباره یافته بود. مسئلهٔ فلسطین را در دستور کار خود قرار داده بود، زیرا در اندیشهٔ اسلامی ایرانیان، دفاع از مظلوم واجب است، هم چنین فلسطین پارهٔ تن اسلام است که به غصب اشغال شده است و باید به صاحبان آن بازگردد. اما هنوز پیداری اسلامی شکل نگرفته بود، نه در منطقه و نه حتی در

این مقاله، بیشتر از ۶۰ درصد دانشجویان این دانشگاه اعلام کرده‌اند استفاده درستی از اوقات فراغت شان ندارند و تنها ۶ درصد از نحوه استفاده شان از اوقات فراغت اعلام رضایت کرده‌اند. از این آنها نیز ۳۳ درصد معاونت فرهنگی دانشگاه‌ها را به عنوان اولین نهاد در راستای انجام فعالیت‌های مناسب برای بهبود اوقات فراغت شان معرفی کرده‌اند؛ اما در مقابل ۳۱ درصد از دانشجویان هیچ‌کدام از نهاد‌های مرتبط با فعالیت‌های فرهنگی در دانشگاه‌ها را مناسب پرکردن اوقات فراغت نمی‌دانستند.

یکی از موضوعات داغ در بحث فعالیت‌های فرهنگی را باید حضور چهره‌های مشهور در چنین برنامه‌هایی دانست که طبیعتاً باعث افزایش استقبال دانشجویان از چنین برنامه‌هایی می‌شود. به طوری که ۲۸ درصد از دانشجویان دانشگاه تهران به حضور چهره‌های مشهور علاقه بسیار زیادی نشان دادند و ۲۱ درصد‌شان هم علاقه‌ای متوسط به این مسئله داشتند. از طرف دیگر ۱۳ درصد از جامعه آماری این مقاله علاقه بسیار زیادی به مشارکت در فعالیت و برنامه‌های فرهنگی داشتند و در مقابل ۱۹ درصد نیز علاقه بسیار اندکی به این کار داشتند. فعالیت در نشریات دانشجویی توانسته تنها نظر ۲ درصد از دانشجویان را به خود جلب کند و حتی پیگیری امور صنفی دانشجویان هم با استقبال یک درصد دانشجویان همراه بوده است. جالب اینجاست که با دیگیری زبان و کامپیوتر سهم ۳۹ درصدی و فعالیت‌های ادبی و هنری با سهم ۲۴ درصدی در جایگاه اول و دوم علاقه‌مندی دانشجویان قرار دارد. مسئله مهم درباره رسیدن به نقطه فعلی در حوزه استقبال دانشجویان از حضور و مشارکت در برنامه‌های فرهنگی مرسوم دانشگاه‌ها آن است که براساس نگاه ۵۳ درصد از دانشجویان این دانشگاه، نظر آنها در طراحی و ارائه برنامه‌های فرهنگی از سوی نهاد‌های متولی و تشکل‌های فرهنگی موجود در دانشگاه‌ها لحاظ نمی‌شود و البته ۶۵ درصد آنها نیز معتقدند که توانایی مدیریتی مسئولان فرهنگی بسیار پایین است.

بی‌توجهی متولیان، مرگ استقبال از فعالیت‌های فرهنگی را رقم می‌زند

با در نظر گرفتن آمارهای منتشر شده در ایسپا و نظرسنجی دانشگاه تهران، واقعیت غیرقابل انکار آن است که فضای فرهنگی در بدنه دانشگاه‌های کشور دستخوش تغییرات جدی شده است. نکته‌ای که شاید اتفاقات سال ۱۴۰۱ را باید نمونه عینی از تغییر ذائقه دانشجویان به حساب آورد اما آنچه در میان این دو زمان نمی‌توان نادیده گرفت آن است که این تغییرات یکباره اتفاق نیفتاده و خروجی مسیری است که در طول ۴ دهه گذشته در فضای فرهنگی دانشگاه‌ها دنبال شده است. در حقیقت کمبود بودجه برای انجام فعالیت‌های فرهنگی را باید یکی از موضوعات مهم و اثرگذار در این زمینه دانست و در گام بعدی هم شرایط امروز نشان می‌دهد. مدیران و تصمیم‌گیرندگان فعالیت‌های فرهنگی دانشگاه‌ها، اولاد درک‌درستی از ذائقه فرهنگی دانشجویان نداشته و به اصطلاح در اتاق‌های در بسته تصمیم‌گیری می‌کنند و ثاباً بدنه تشکلی هم که باید نقش واسط بین دانشجویان و مدیران را ایفا کند، بیشتر از ایفای چنین نقشی، به انجام برخی فعالیت‌های روئین متمرکز شده است. فعالیت‌هایی که شاید در دهه‌های گذشته که دانشگاه‌ها به عنوان منشأ اصلی جریان‌سازی در عرصه سیاسی و اجتماعی قلمداد می‌شدند، از جذابیت قابل توجهی برخوردار بودند اما با گسترش استفاده از فضای مجازی عملاً چنین امتیازی از برنامه‌های تشکلی گرفته شد اما فعالان و برگزارکنندگان آنها همچنان در همان مسیر قبلی خود ادامه دادند. در چنین شرایطی می‌طلبد تا متولیان امر با ملاحظه قرار دادن وضعیت فرهنگی امروز، فکری اساسی برای تغییر برنامه‌ها داشته باشند؛ چراکه تداوم این وضعیت طبیعتاً به مرگ رغبت دانشجویان به فعالیت‌های فرهنگی منجر خواهد شد. به عبارت دقیق‌تر اولین گامی که باید برای باگشت به دوران اوج فعالیت‌های فرهنگی در دانشگاه‌ها مدنظر قرار داد، آن است که ریل‌گذاری اصلی در اجرای برنامه‌ها با حضور قشرهای مختلف دانشجویی برای ملاحظه قرار دادن نوع نگاه آنها صورت بگیرد و از طرف دیگر مسئولان دانشگاهی، افرادی را در مسند تصمیمات فرهنگی قرار دهند که اولاً قدرت تصمیم‌گیری بالایی داشته باشند و در وهله بعد، با توجه نایبه‌شان مشارکت جمعی همه طیف‌های دانشجویی برای برگزاری چنین برنامه‌هایی باشد.